

۱۱ شوال ۱۴۴۴	۲۱ فروردین ۱۴۰۴	پنج شنبه، ۲۱ فروردین ۱۴۰۴
۱۰ آوریل ۲۰۲۵	۲۱۷۴	شماره ۲۱۷۴
۱۳:۰۶	۱۱:۳۳	۱۱:۳۳
۱۸:۳۳	۱۸:۰۱	غروب آفتاب:
۱۸:۵۲	۱۸:۲۰	ازان مغرب:
۲۳:۲۲	۲۳:۴۹	نیمه شب:
۰۴:۱۰	۰۳:۳۶	ازان صبح:
۰۵:۳۷	۰۵:۰۴	طلوع آفتاب فردا:

امام علی (ع) می فرمایند:

رَاضِي بِفِعْلٍ قَوْمٍ كَالدَّخِلِ فِيهِ مَعَهُمْ
ن کس که از کار مردمی خوشنود باشد، مانند آن است
ه در آن کار با آن ها همراهی کرده است.

نهج البلاغه؛ حکمت ۱۵۴]

روزنامه خراسان رتبه ۵ نشریات کشوری
صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرعامل و مدیر مسئول: حسین سعیدی
سرمدی: حامد رحیم پور
دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی (سازمان آب)
کد پستی: ۹۱۵۸۹۵۹۷۱
تلفن: ۵۱ ۳۳۷۰۰۹۰۰۰
نمبردیرخانه: ۳۳۷۲۳۴۵ ۵۱
پذیرش آگهی: ۳۷۰۱۰ ۵۱

روابط عمومی: ۰۹۱۱۱۳۷۰۵۱
 پیامک: ۰۹۹۹۲۰۰۰
 نمایرجوابیه: ۰۵۱ ۰۷۷۷۲۳۷۶۳۷۶
 نمایرجوابیه: ۰۵۱ ۰۳۵۱۲۳۷۶۱۳۷۶
 تلفن امورمشترکین: ۰۵۱ ۰۹۷۷۲۳۷۶۳۷۶
 دفتر تهران: خیابان توانیر، خیابان نظامی گنجوی
 کوچه نادران، پلاک ۲۳
 تلفن وفاکس دفتر تهران: ۰۲۱ ۸۸۸۷۱۳۰۹

حابمشفهد: شهر حاب خاسان | حاب تهران: حا

www.khorasanonline.ir
e-mail: info@khorasannews.com

آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای
روزنامه خراسان را در سایت بخوانید

سامانه ثبت آگهی آنلاین خراسان :
www.khorasanet.ir

www.khorasanonline.ir



دستورکار مذاکرات

بنا به اعلام رسمی مقامات در تهران و واشنگتن، دور نخست مذاکرات ایران و آمریکای ترامپ، روز شنبه ۲۳ فروردین برگزار می‌شود. مذاکراتی که به گفته آمریکایی‌ها مستقیم و به گفته مقامات ایرانی، غیرمستقیم برگزار می‌شود. فارغ از شکل مذاکرات که بیشتر محل بحث بوده است، محتوا و دستور کار آن اهمیت زیادی دارد. دستور کار اولی دور اول مذاکرات در روز شنبه، حول محور برگزاری نامه‌های ارسالی طرفین به یکدیگر برگزار می‌شود و عراقی و ویتنام، به سر من نامه‌ها مذاکرات را آغاز می‌کنند. جایی که ترامپ در نامه خود به ایران خواستار برچیدن تأسیسات هسته‌ای و موشکی و پایان دادن به حمایت از گروه‌های مقاومت شده در پاسخ ایران، تنها برای گفت و گو درباره پرونده هسته‌ای اعلام آمادگی کرده است. از سوی دیگر، در مذاکرات روز شنبه، درباره ضرب الاجل دو ماهه ترامپ به ایران برای توافق بحث خواهد شد. جایی که عراقچی صراحتاً به ویتکاف اعلام خواهد کرد که امکان رسیدن به توافق در یک بازه زمانی دو ماهه وجود ندارد. در صورتی که طرفین بتوانند بر روی محدود کردن موضوعات مورد مذاکره و زمان آن به توافق اولیه برسند، می‌توان انتظار داشت مذاکرات روند مثبتی را طی کنند در غیر این صورت ممکن است در همین ابتدای کار، بین بست ایجاد شود.



عقب‌نشینی پس از بلوف

سخنان ترامپ مبنی بر مذاکره مستقیم با ایران در شنبه آینده، آن هم در حضور نتانیاهو، چند واقعیت را نمایان ساخت. مهم ترین موضوع این است که ترامپ توانست تا به این جای کار، به وسیله ایجاد تهدید نظامی به خواسته های خود برسد. اولاً مذاکره در امارات انجام نخواهد شد. ثانیاً ایران به صورت واضح از بین چهار خواسته ترامپ، صرفاً یک خواسته را مذاکره پذیر دانست و ترامپ هم به این شرایط تن داد. چهار خواسته هسته ای، منطقه ای، موسیقی و فضایی حالا صرفاً به مسئله هسته ای محدود شده است. ثالثاً بر خلاف دروغ ترامپ، مذاکره مستقیم نخواهد بود. این سخنان در حضور نتانیاهو صورت گرفته که چند معنا دارد. اولاً نتانیاهو به خواسته کاهش تعرفه بر واردات آمریکا از رژیم دست نیافت. ثانیاً گفتن از مذاکره با ایران در حضور او، معنایی جز کنترل رفتار رژیم برای چند هفته آینده ندارد. ثالثاً بحث جنگ و آزادی اسرا به صورت کامل آن طوری که باند صهیونیست می خواستند به نتیجه نرسید. در موضوع اردوگان و ترکیه نیز، ترامپ بیشتر طرف ترکیه را گرفت تا رژیم و نتانیاهو را. در طرف ایرانی، اجازه داده شد تا به نامه تر تهدیدات پاسخ داده شود؛ چرا که علاوه بر تهدیدات و حرف های بی اساس، برخی نکات را داشت. اما امکان بهره گیری را نشان نمی داد. آن طرف دیگر طرف ایرانی، برخی از موارد از جمله محل مذاکره و شیوه آن را در نامه پاسخ قرار داد تا جدیت طرف مقابل را بسنجد. اگر به نامه پاسخ داده نمی شد، عملارهی جز جنگ یا ایجاد سایه جنگ نبود که البته نظام برای آن آماده است اما منطقاً مطلوبش نیست. بهانه دادن به دست تیم جنگ طلب کاخ سفید یعنی و التزو و هگست، بهترین ابزار برای لابی صهیونیست بود تا ترامپ را به پرنگاه جنگ با ایران برساند. نتیجه، تا این جای کار این بوده که ترامپ چند قدم از موضع خود عقب نشسته و قلاده سگ منطقه ای اش را محکم گرفته تا خطایی نکند. ایران هم با توجه به واقعیت های تغییر یافته از خود انعطاف نشان داد و دوباره به دیپلماسی فرصت دهد. ممکن است گذر زمان و بالا گرفتن جنگ تجاری و درگیری ترامپ در مسائل اقتصادی، مسائل کنونی را تا حد زیادی از تمرکز کاخ سفید خارج کند.

برای مذاکره به شکست منجر خواهد شد. چرا که طرف مقابل اساساً فهم حقوقی ندارد؛ چه شخص و ویتکاف به یک سباز بفروش مستغلات است و هیچ تجربه سیاسی یا حقوق بین الملل ندارد و چه خود ترامپ که همه چیز را از دریچه اقتصاد سیاسی می بیند. سپس ایده چه خواهد بود؟ چه چیزی به طرف مقابل ارائه خواهد شد تا امکان گفت و گو و معامله به وجود آید؟ در حالی که خواسته طرف مقابل، بر پییده شدن کل برنامه هسته ای است، نمی توان صرفاً با منطق حقوقی و با خط قرمزهای مشخص درباره لزوم غنی سازی اورانیوم به مذاکره رفت. چنین مذاکره ای از قبل شکست خورده است. از طرف دیگر، منطق طرف مقابل، برای تیم ایرانی چندان قابل فهم نیست. مسئله تیم آمریکایی در حال حاضر، اقتصاد داخلی آمریکا، حفظ برتری آمریکا در زمینه های مختلف به ویژه اقتصاد و پاسخ قانع کننده به لابی صهیونیستی در واشنگتن در موضوع پرورنده ایران است. لذا طرف مقابل حتماً مخالف ورود نفت ایران به بازار جهانی است. همچنین سعی دارد تا تمام سرمایه ها را به داخل آمریکا جذب کند، پس مخالف هر گونه جذب سرمایه گذاری توسط کشورهای دیگر از جمله ایران است. سپس این اشتباه قدیمی که باید به شرکتهای آمریکایی اجازه سرمایه گذاری در ایران را داد، با واقعیت و نیازهای آمریکایی امروز همخوانی ندارد و اتفاقاً برخلاف خواسته های ترامپ است. همچنین برای راضی کردن لابی ها در واشنگتن مجبور است تلاش حداکثری

برای منکوب کردن ایران را به کار بندد. پس باید منطقی را به کار بست که هم نیازهای ایران را پاسخ بدهد و هم نیازهای طرف مقابل را تا حدی بر طرف کند تا احتمال و امکان معامله وجود داشته باشد. حوزه اقتصاد سیاسی و پاسخ به نیازهای داخلی دو طرف باید جایگزین پاسخ به سوالات سیاست خارجی و نظامی دو طرف بشود. طیفی از فروش جهانی خرید از بازار آمریکایی می تواند کلیت این ایده است که در جای خود قابل توضیح است. بدون این ایده اساسی و فهم این که مسئله اقتصاد سیاسی در حال پیشبرد در آمریکا، ترامپ است، توافق به دست نخواهد آمد. در این جا باید به تیم مذاکره کننده توصیه اکید کرد که برای احتمالات مختلف در شبیه شب از جمله شکست مذاکرات، ایده رسانه ای داشته باشند. همچنین دولت در کلیت خود باید یک بسته کامل از اداره کشور بدون توافق هم داشته باشد. نطق ترامپ در مقابل نتانیا هو و به بهر یختگی بعدی در داخل ایران، نشان داد که اگر طراحی و هوشمندی لازم وجود نداشته باشد، چه اتفاقی بد رسانه ای و سیاسی در راه خواهد بود. خلاصه این که مسئولان امر نباید به مسقط بروند با این امید که شاید طرف مقابل حرفی قابل مذاکره را بزند. امید داریم که آقای عراچی ایده های اجرایی و متناسب داشته باشند و خود یک طرح ایجابی بر اساس نیازهای کشور و نیازهای طرف مقابل را طراحی کنند و روی میز بگذارند تا بر سر اختلاف ایران نگاشته شود. مذاکره شود.

ایده مذاکره مهم تر است تا شکل و سطح آن

مصطفی غنی زاده
Political@khorasannews.com

بر خلاف مباحث پیش آمده در حوزه مستقیم باغیر مستقیم بودن مذاکره، مسئله اصلی در شبیه‌آینده، ایده و منطقی است که دو طرف بر اساس آن مذاکره خواهند کرد. گرچه منطقی و شکل مذاکره موثر است و در فرایند مذاکرات، اثری مهم خواهد گذاشت اما آنچه هسته اصلی موفقیت هر گونه گفت و گورا تشکیل می‌دهد، ایده‌ای است که مذاکره براساس آن انجام می‌شود. تا این لحظه، تیم ایرانی هیچ ایده جدی برای مذاکره ندارد و

اظہارات رئیس جمهور در خصوص تمایل به حضور سرمایہ گذاران آمریکایی مورد نقد جدی کارشناسان قرار گرفت

خطر سیگنال دهی اشتباه از تهران

جعفر یوسفی
Political@khorasannews.com

در حالی که در آستانه آغاز دور جدیدی از مذاکرات میان ایران و آمریکا به سر می‌بریم و هر دو طرف در حال برنامه‌ریزی دقیق‌روی کلمات و خبرهایی هستند که تا روز شنبه منتشر می‌شود؛ رئیس‌جمهور پزشکیان، در جمعی رسمی اظهار داشت: «هیچ مخالفتی با سرمایه‌گذاری مشروع حتی از سوی سرمایه‌گذاران آمریکایی در کشور وجود ندارد». اگرچه چنین جمله‌ای ممکن است در نگاه اول نشان دهنده رویکردی باز و تعاملی از سوی دولت باشد، اما در متن بازی پیچیده و چندلایه دیپلماتی، این قبیل اظهارات ابیض از آن که نشان‌دهنده تعامل سیاسی باشد، می‌تواند گام خطرناکی تلقی شود که به طور مستقیم در زمین عملیات روانی آمریکایی‌ها بازی می‌کند.

اشتقاقی که می تواند پرهزینه باشد

تجربه به ما موخته است که آمریکایی ها در آستانه مذاکرات، معمولاً یک سناریوی مشخص را دنبال می کنند: شرطی سازی افکار عمومی و بازار آزاد. آن ها از طریق رسانه های بین المللی و حتی شبکه های اجتماعی، فضایی ایجاد می کنند که مردم به فعالان اقتصادی و حتی برخی مسئولان، با توجهی ناهنجار و بی اساس، دست به پیش خور می کنند. در حالی که دونالد ترامپ – با همان رویه اقتصاد کاسب مسلکش به متحدین قدیمی خود فشار می آورد تا سرمایه هایشان را از کشورهای دیگر خارج و به خاک آمریکا منتقل کنند، آیا منطقی است که ما در خوش به سرمایه گذاری آمریکا یا در ایران باشیم؟ سرمایه گذاری که حتی اگر فیلترهای سیاسی هم عبور کند، از منظر ساختار و اقتصاد آمریکا عملاً غیر ممکن به نظر می رسد. نباید فراموش

روایتی متفاوت از آنچه در پشت صحنه دیپلماسی می‌گذرد

مذاکرہ؛ ثمرہ مقاومت نہ حاصل ضعف

امروز برخی رسانه‌ها با آ‌ب و تاب به عنوان اتفاق جدید به مخاطبان خود عرضه می‌کنند، در حقیقت ادامه همان مسیر گذشته است؛ با این تفاوت که اکنون طرف آمریکایی به دلایل مشخص، بیشتر از گذشته نیازمند نمایش این گفت‌وگوها در صحنه رسانه‌ای است.

تغییر زمین بازی به نفع تهران

از سوی دیگر، باید به عقب‌نشینی محسوس آمریکا و رژیم صهیونیستی از مواضع پر خاشکانه پیشین‌شان اشاره کرد. تنها چند ماه پیش، تهدیدات نظامی علیه ایران از زبان مقامات تل‌آویو و واشنگتن نقل محافل بود. اما چه شد اکنون به جای آن لحن تهاجی، و گفت‌وگو دیپلماتیک جایگزین شده است؟ پاسخ را باید در تحرکات میدانی ایران جست‌و‌جو کرد. در ماه‌های پر قدرت نیروهای مسلح، رونمایی‌های درباری از سامانه‌های موشکی و شهرک‌های زیرزمینی، و البته مواضع قاطع و بازدارنده رهبر حکیم انقلاب اسلامی، توانستند

کرد که بخش عمده سرمایه‌گذاری‌ها در آمریکا توسط شرکت‌های خصوصی انجام می‌شود؛ شرکت‌هایی که بسیاری از آن‌ها، سهامداران اصلی‌شان از لابی‌های صهیونیستی هستند. چگونه می‌توان تصور کرد که این جریان‌های قدرتمند اقتصادی، با منافع و راهبردی ضد ایرانی، یک‌باره چرخش کرده و برای رونق بخشی به اقتصاد ایران دست به جیب‌شوند؟

مشاوران رئیس‌جمهور کجا هستند؟

واقعیت این است که در میدان پیچیده سیاست خارجی، هر کلمه، هر جمله و حتی لحن یک مقام ارشد، وزنی معادل چندین امضای رسمی دارد. این دقیقاً همان جایی است که نقش مشاوران سیاسی حرفه‌ای پررنگ می‌شود. رئیس‌جمهور کشور، با فارغ از سابقه‌اش در دیگر حوزه‌ها، نیازمند تیمی منسجم و آگاه در حوزه راهبردی سیاست خارجی است تا پیش از هر سخنرانی، ابعاد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی هر جمله را بسنجد. اظهارات

القامی کنند، این گفت و گو هوانه از سر استیصال که مبتنی بر استراتژی «مذاکره یکی از روش های مبارزه است» پیش می روند. مدلی که در طراحی کلان جمهوری اسلامی ایران، از ابتدا ترسیم شده و اکنون به نقطه بلوغ خود رسیده است. بر خلاف تصور رایج، مذاکره در چارچوب دیپلماسی انقلابی، نه تنها منافاتی با اصول ندارد، بلکه اگر در دستور بحث خطوط قرمز و بنیان های اصیل صورت گیرد، شعبه ای از مقاومت محسوب می شود؛ مذاکره ای که به جای سازش، ثمره بار داندنگی و صلابت است.

از مذاکره نترسیم، از تحریف مقاومت بترسیم

جمهوری اسلامی ایران، اکنون بیش از هر زمان دیگر، در معادلات منطقه ای و جهانی دست بالا را دارد. روایت نادرستی که مذاکره را نتیجه ضعف یا اجبار نشان می دهد، خواسته یا ناخواسته در پازل دشمن بازی می کند. باید باز روشن، اما دقیق و مسئولانه به افکار عمومی یادآور شد که مذاکره، وقتی حصول مقاومت باشد، نه تنها مایه نگرانی نیست بلکه برگ برنده ای است که در دستاناست. نه حریف.

پیام روشنی را به دشمن مخابره کنند: ایران نه در موضع انفعال، بلکه از موضع قدرت، وارد هر نوع مواجهه ای خواهد شد.

مدل دیپلماسی مقاومت: تجربه ای از موده شده در منطقه

نگاهی به تجربه های موفق منطقه ای می تواند نقش «مقاومت» را به عنوان پیش نیاز «مذاکره موفق» روشن تر کند. تابستان ۱۴۰۰، دولت لبنان با پشتیبانی میدانی و مالی حزب حزبا... توانست در پرونده مناقشه گازی مدیترانه، رژیم صهیونیستی را از موضع تهدید به موضع انفعال بکشاند. مجموعه ای از اقدامات ترکیبی از عملیات های میدانی گرفته تا پاس های رسانه ای هوشمندانه صهیونیست ها را وادار کرد به حقوق لبنان اذعان کنند. نمونه های مشابهی را در یمن و فلسطین نیز شاهد بوده ایم. مقاومت یمن در برابر ائتلاف سعودی و مقاومت حماس در غزه، هر دو نشان می دهند که در منطق جبهه مقاومت، مذاکره زمانی مشروع و موثرتر است که محصول مقاومت بوده و پایدار باشد، نه جایگزین آن.

مذاکراتی با پشتوانه عزت

اکنون ایران در آستانه دور تازه ای از گفت و گو هوار قرار گرفته است. اما برخلاف آنچه برخی ساده سازی ها